

## فلسطینیان در معرض «خیانت قرن»

دونالد ترامپ مثل رؤسای جمهور قبلی امریکا برنامه سازش را از ابتدای ورودش به کاخ سفید در سرلوحه سیاست خارجی خود قرارداد اما این کار راهم مثل دیگر کارهایش برخلاف رویه معمول همان رؤسای جمهور پیش برده است.



به گزارش آران نیوز: «سید رحیم نعمتی» در یادداشت روزنامه «جوان» نوشت:

دونالد ترامپ مثل رؤسای جمهور قبلی امریکا برنامه سازش را از ابتدای ورودش به کاخ سفید در سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داد اما این کار را هم مثل دیگر کارهایش برخلاف رویه معمول همان رؤسای جمهور پیش برده است. اولین نشانه خلاف رویه او در انتصاب جرد کوشنر به عنوان مسئول مذاکرات سازش بین رژیم صهیونیستی و دولت خودگردان فلسطینی در ژانویه بود. هرچند که سابقه داشته رئیس جمهور امریکا فردی را به عنوان نماینده خود در موضوعات حادی مثل همین مذاکرات سازش تعیین کند، اما سابقه نداشته این موضوع را در دست کسی خارج از دستگاه دیپلماسی امریکا قرار بدهد جدا از اینکه کوشنر داماد رئیس جمهور و از خویشان نزدیک به او است.

ترامپ با این انتخاب نه تنها برنامه اش را برای مذاکرات سازش از دسترس وزیر خارجه اش، رگس تیلرسون خارج کرد بلکه روند اجرای این برنامه را هم در قالب روابط شخصی و به خصوص پیوندهای مالی نزدیکانش با طرفهای مذاکرات قرار داد. این نقشه ترامپ نقشهای تازه ای برای سازش ایجاد کرده که کوشنر تنها یک مورد از این نقشها است و باید به محمد بن سلمان هم اشاره کرد که به واسطه روابط کوشنر با او، یکی دیگر از افرادی است که نقش کلیدی در مذاکرات سازش را به عهده گرفته است.

محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی، دو هفته قبل به عربستان فراخوانده شد تا بن سلمان با او دیدار کند. آن دیدار همزمان شد با یک سلسله اتفاقات از دستگیری گسترده چندین شاهزاده آل سعود و مقامهای عالی رتبه این خاندان و اصابت موشک یمنی به فرودگاه ملک خالد ریاض، پایتخت سعودی و استعفای نابهنگام سعد حریری، نخست وزیر لبنان، در همین شهر ریاض. این همزمانی باعث شد آن دیدار از اولویت خبری کنار گذاشته شود و کمترین توجه به آن شود اما بعد معلوم شد که اهمیت خبری کمتری نداشته به خصوص اینکه بن سلمان در آن دیدار به نقش خود عمل می کرد، نقشی که چند روز قبل از آن دیدار و از سوی کوشنر تعریف شده بود.

کوشنر حدود ۱۰ روز قبل از آن دیدار محرمانه به عربستان رفته بود و سه چهار روزی هم در آنجا بود. دینا پاول و جیسون گرنبلات دو مقام ارشد امریکایی در آن سفر همراه کوشنر بودند تا او را در روند مذاکرات سازش همراهی کنند و حتی گفته می شد که در طول اقامت چند روزه کوشنر در ریاض، تماسهایی هم با مقامهای رژیم صهیونیستی، فلسطینی، مصری، اردنی و اماراتی داشته اند. در هر صورت، محمود عباس به ریاض خوانده شد تا بن سلمان به نقش خود عمل کند و او را مجبور به قبول نتایج مذاکرات کوشنر بکند که به عنوان «معامله قرن» معروف شده است.

هرچند که آن موقع چیزی از این معامله گفته نشد اما حالا دست کم زوایایی از آن معلوم شده که عبارتند از: تشکیل کشور فلسطینی بدون تخلیه شهرکهای یهودی نشین در اراضی اشغالی، مذاکره برای تبادل اراضی و ساکنان، تشکیل کشور فلسطینی اما بدون پایبندی به مرزهای ۱۹۴۷. علاوه بر این، سرنوشت بیت المقدس و انتقال سفارت امریکا از تل آویو به بیت المقدس مسکوت گذاشته شده تا با پیشبرد مذاکرات به این دو موضوع هم رسیدگی شود. روشن است که این موارد از چیزهایی نیست که حتی محمود عباس با تمام تمایلاتش به سازش هم بتواند به راحتی با آنها کنار بیاید و به همین خاطر هم بود که در دیدار با بن سلمان زیر بار معامله قرن نرفت و بن سلمان را در اجرای مأموریتش ناکام گذاشت.

در واقع، جلوگیری از شهرک سازی رژیم صهیونیستی و تخلیه شهرکهای فعلی از پیش شرطهای دولت خودگردان برای از سرگیری مذاکرات سازش است که به هیچ وجه در معامله مورد نظر ترامپ مطرح هم نشده اند و به جای آن، او افراطی ترین درخواستها را در این معامله گنجانده است. محمود عباس جدای از در نظر نگرفتن پیش شرطهایش، با این درخواستها در معامله ترامپ روبه رو شده که به خوبی می داند برای فلسطینیها قابل توجیه نیستند.

عباس به همین جهت از قبول معامله قرن سر باز زده و حالا ترامپ از زاویه دیگری وارد شده و او را تهدید می کند که در صورت عدم قبول این معامله دفترش را در نیویورک تعطیل خواهد کرد. این دفتر بیش از سه دهه قبل مرکز اصلی تشکیلات فلسطینی در امریکا بود که مجوز فعالیت آن به صورت شش ماهه از سوی وزارت خارجه امریکا تمدید می شد و حالا تهدید عباس مبنی بر کشاندن مقامات رژیم صهیونیستی به دادگاه بین المللی لاهه باعث شده وزارت خارجه امریکا هم از تمدید مجوز فعالیت این دفتر خودداری کند.

روشن است که این کار امریکا یک نوع گروگانگیری است تا عباس را مجبور به قبول آن معامله کند چنان که امریکاییها گفته اند اگر او وارد مذاکرات شود، این دفتر هم می تواند به فعالیت خود ادامه دهد. در هر صورت، ترامپ چشم اندازهای اصلی طرح خود برای سازش را در قالب یک معامله روی میز گذاشته که تمام مفاد آن منطبق بر منافع رژیم صهیونیستی است و تنها با تهدید بستن آن دفتر می خواهد عباس را مجبور به قبول این معامله کند.

عباس و تشکیلاتش تا حالا زیر بار نرفته اند اما باید دید تا چه زمانی می توانند مقاومت کنند چرا که این بار جدای از تازه بودن

نقشه امریکا، افرادی مثل محمد بن سلمان هم نقش‌هایی به عهده گرفته‌اند که آنها را در سوی مقابل و جبهه امریکایی-صهیونیستی قرار می‌دهد.